



خوب میدانیم که هیچ کس با اجرای مقررات شریعت در حضور خدا کاملاً نیک محسوب نمی شود، بلکه فقط بر اثر ایمان به عیسی مسیح نیک محسوب می گردد. ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا به وسیله ایمان و نه با اجرای شریعت نیک شمرده شویم. نه فقط ما بلکه هیچ بشری از راه انجام احکام شریعت نمی تواند نیک محسوب شود<sup>17</sup>. پس اگر در ضمن تلاش خود برای رسیدن به نیکی مطلق که در مسیح یافت می شود، دریابیم که ما نیز مثل دیگران گناهکاریم، آیا باید مسیح را عامل

گناه خود بدانیم؟ به هیچ وجه<sup>18</sup>! اما اگر آنچه را که خود خراب کرده ام بار دیگر بنا کنم، البته نشان می دهم که شخصی خاطی هستم<sup>19</sup>. زیرا تا آنجا که به شریعت مربوط است، من مرده ام. زیرا به وسیله شریعت کشته شدم تا برای خدا زندگی کنم<sup>20</sup>. من با مسیح مصلوب شده ام به طوری که دیگر آنکه زندگی می کند من نیستم، بلکه مسیح است که در من زندگی می کند و در خصوص این زندگانی جسمانی ای که اکنون دارم، فقط به وسیله ایمان به پسر خدا که مرا محبت کرد و جان خود را به خاطر من داد، زندگی می کنم.

دو تا دروغ بزرگ وجود دارد که شیطان همیشه به وسیله ی آنها، ما انسان ها را فریب می دهد. اولین دروغ این است: او به ما می آموزد که ما انسان ها بسیار خوب هستیم، که ما حتی به خدا احتیاج نداریم. از روخوانی کتاب انجیل، امروز ما می دانیم که چنین فردی وجود داشت. این فرد به خدا دعا کرد، اما هیچ چیز دیگری برای گفتن ندارد جز کار خوب که او به عنوان خدمتکار خدا انجام داده بود. با مثل: روزه، نماز، کمک به فقرا ... و غیره. چنین شخصی بسیار خوب عمل کرد، این غیر قابل انکار است اما آیا این فرد به خدا نیاز دارد؟ نه! حتی متوجه شدیم که این شخص نیازمند به خدا نیست. او همه چیز را که نیاز دارد بدون خدا زندگی کند، دارد. و چنین شخصی می تواند دعا کند. اما در واقع او با خدا صحبت نمی کرد. او با خودش صحبت می کرد. این مرد به خدا نیاز ندارد، زیرا او از خودش یک خدا ساخت. اما این دروغ شیطان است. شخص مقدس در جهان وجود ندارد. حتی بهترین مرد روی زمین پیش خدا جز گدا نیست و نیکی پیش چشم های خدا همیشه خوب است. کاملاً برعکس مرد دیگری است که او هم در انجیل برای خدا دعا می کرد. او عمیقاً از تمام اشتباهاتش آگاه بود. با چنین افرادی، دروغ دوم شیطان را شرح می دهیم. او به مردم ما با دلایل بسیار متقاعد کننده می گوید که به او هیچ فرصتی برای ایستادن در پیش خدا داده نشد. ما انسان خیلی بدی هستیم و گناه ما اینقدر بزرگ است که غیرممکن است، خدا ما را بپذیرد و ببخشد. اما از تقلید از عیسی یاد می کنیم، که این ایمان هم دروغ دوم نادرست شیطان است. هیچ گناهی برای صلیب بیش از حد نیست! هیچ گناهی اینقدر بزرگ نیست که خدا نتواند آن را ببخشد. اما با این حال سوال می کنم که آیا ممکن است که دروغ سوم شیطان را نیافت؟. شیطان دروغ سوم را به ویژه برای مسیحیان طراحی کرد. و در دروغ سوم، شیطان به ما می گوید با وجود بخشوده شدن گناهان از طریق عیسی، شیطان یک کلام کوچک بین ما و مسیح ایجاد کند. یک کلام کوچک این است: اما! اما، ما نیز باید کاری خوب انجام دهیم! حتی در اولین جامعه مسیحی، شیطان این دروغ را گسترش داد. در آن زمان، پولس رسول، با انجیل عیسی مسیح، همه مردم را موعظه کرد. یهودیان و غیر یهودیان توسط انجیل نجات یافتند و توسط خدا بخشیده و پذیرفته شدند. و سپس شیطان آمد و دروغ خود را به غلاطیان پراکنده ساخت. به این ترتیب: مردمها به کلیسا آمده اند و اعلام کرده اند که در حالی که مسیح ببخشد، ما هنوز هم باید به آداب و رسوم یهودی خاص و آیین ها احترام بگذاریم؟. پولس سرش را تکان داد، و در کنار میز نشست و نوشت: «ای غلاطیان! در عین حال، من مسیح را به وضوح در ذهن شما نقاشی کردم!» پولس باید دوباره به زبان ساده صحبت کند و نوشت، ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا به وسیله ایمان و نه با اجرای شریعت نیک شمرده شویم.. نه فقط ما بلکه هیچ بشری از راه انجام احکام شریعت نمیتواند نیک محسوب شود

ما انسانها با کارهای خوب خودمان هیچ وقت عدالت نداریم. بنابراین پولس رسول با تمام وضوح می گوید: هیچ چیزی غیر بخشش خدا اضافه ندهید. و در عین حال می بینم که ما همیشه باید کلمات او را تکرار کنیم. چون شیطان دروغ خود را به ما هم انتقال می دهد: حال من می توانم امروز صدها نمونه در مورد ابطال مجموعه ای از استناد «چه کسی واقعا مسیحی است و باید این و آن کار را انجام دهد.» به طوری که این جمله علاقمند به آنچه مسیح انجام داده است، نیست. اما بیشتر علاقمند به آنچه که مسیحیان پس از آن با کارهای خوب انجام دادند. دروغ پوچ! غلطیان هنوز هم با ما ثبت نام می کنند. "البته، ما به فیض خدا اعتماد داریم ... اما ما هم به کار مسیحان اضافه کنیم!" او با این جمله، ما یک اشتباه بزرگ می کنیم. اغلب ما مسیحیان ناخودآگاه این اشتباه را مرتکب می شویم. وقتی بیگانه ها به سوی ما می آیند، از آنها می خواهیم که رفتار ما را به نحو ما انجام دهند. آنها باید همانند ما رفتار کنند! آنها باید مثل ما باشند ... و تنها پس از آن کار، ما با آنها موافقت می کنیم. گاهی اوقات حتی ممکن است که این رفتار به اصطلاح بیش از فیض خدا و بخشش از طریق مسیح باشد. نه، نه! پولس با کلمات واضح صحبت می کند. هنگامی که به عدالت ما می آید، فقط فیض خدا و هیچ چیز دیگری اعمال نمی شود. و اگر ما یک چیز دیگر نسبت به فیض خدا ببینیم، پس ما باید قطعاً بدانیم که شیطان با دروغ سوم خود، به ما تقلب می کند. عفو خدا هیچ چیز نمی داند، غیر این: بخشش خدا کافی است. صلیب نیز هیچ چیزی نمی داند جز خون عیسی برای بخشش گناهان جهان کافی است. در خانه من یک تیوپ دوچرخه دارم. این تیوپ حداقل با 10 تکه پوشیده شده است. در یک دوچرخه سواری من بدون تیوپ جایگزین رفتن و به دلیل اینکه خرابی تیوپ به خصوص بد بود، همیشه یک جایجایی وجود داشت. بعد از مدتی مشخص شد که این تیوپ با تکه های آن کاملاً نامناسب بود. او به سادگی برای جاده سنگی مناسب نبود و من نمی توانستم خرابی این تیوپ را تشخیص دهم. ما انسان ها کمی شبیه این تیوپ دوچرخه هستیم. همیشه در زندگی ما یک سوراخ آزار دهنده وجود دارد. با وجود هر کار خوب هم سوراخ در زندگیمان آشکار است. مهم نیست که سعی کنیم مسیحیان خوب و مردم خوب باشیم. اگر سوراخ فقط یک سوراخ کوچک باشد، زود یا دیر تمام هوا از آن سوراخ کوچک خالی خواهد شد. خوب، می توانیم سوراخ را اصلاح کنیم؟ ما همیشه این کار را کامل انجام می دهیم. اکثر ما انسان ها خیلی ناعادلانه هستیم که فقط سوراخ را از دیگران پنهان می کنیم. چه کسی گناه دارد و می گوید "مهمترین چیز این است که کسی متوجه آن نمی شود" دقیقاً مانند کسی است که فقط می خواهد تخلف رانندگی را به دروغ پنهان کند. شاید دیگری سعی کند این سوراخ را اصلاح کند. و کسی که تا به حال سعی در چسباندن یک پیچ دوم به پیچ قدیمی دارد، می داند که چنین کاری چقدر مزاحم و بی معنی است. این دقیقاً همان چیزی است که ما انسانها هستیم، که سعی می کنیم اشتباه خودمان را اصلاح کنیم. ما دوباره و دوباره تلاش می کنیم تا اشتباهاتمان را اصلاح کنیم. اما این کار به طور کامل بیفایده است. پولس به ما بسیار واضح می گوید. فقط رحمت خدا! به معنای مثل که در مورد تیوپ دو چرخه دیده می شود. ما باید تیوپهای قدیمی را پاک کنیم و تیوپ جدیدی از عدالت را که مسیح به ما می دهد قرار دهیم، در نتیجه گیری رحمت خدا یا هیچ. بنابراین شما مجبور نیستید زندگی خود را کنترل کنید تا مسیح برای شما وجود داشته باشد. عیسی شما را دقیقاً همین طور که هستید می پذیرد، زیرا شما نمی توانید به تنهایی زندگی خود را اصلاح کنید. قبل از اینکه به مسیح برسید، مجبور نیستید که مصرف الکل، اعتیاد به مواد مخدر یا مشکلات زناشویی خود را حل کنید. نه! مسیح فقط به خاطر شما آمده است، او می پذیرد، زیرا زندگی شما در غیر این صورت شکسته شده است. نقطه اصلی همیشه این است: متعلق بودن به عیسی تجربه کنیم. ما با او فوت کردیم و می توانیم با او به زندگی جدید رستاخیز شویم. و اگر شیطان می خواهد ما را با دروغ هایش فریب دهد، پس می گوئیم: من زنده ام، اما نه واقعا من، که مسیح در من زنده است! و هنگامی که دوباره اشتباه می کنم، من به آغوش عیسی مسیح فرار می کنم، اعتماد به کسی که گناهکاران گمشده را قبول می کند و به آنها زندگی می دهد. آمین.